سکانداران رادیو هفت

رادیو هفت از همان قدیم‌ترهایش تا امروز همیشه با چهره‌های مختلفی به استقبال مخاطبانش می‌رفت و این شب‌ها هم این قصه ادامه دارد. در سری جدید برنامه رشید کاکاوند شنبه‌ها، اسماعیل باستانی یکشنبه‌ها، فاطمه آل‌عباس که تنها مجری خانم این برنامه است دوشنبه‌ها، شاهین شرافتی و گاهی محمد بحرانی سه شنبه‌ها و ایمان سرورپور هم چهارشنبه‌ها ساعت ۲۳ سکان این برنامه را در دست می‌گیرند. منصور ضابطیان هم که پنجشنبه‌ها از پشت صحنه به جلوی دوربین می‌آید اما محمد صوفی گویا همچنان ترجیح می‌دهد که کمتر جلوی دوربین حاضر شود.

عکس‌ها: علیرضا رحیمی

گزارشی از پشت صحنه «رادیو

صدای ما را از ر

از حدود ۱۰ سال پیش که اولین قسمت رادیو هفت ساخته و پخش شد، شای نمی‌کرد که این برنامه قرار است روزگاری هزار و صد و چندمین قسمتش ر خیلی‌ها حتی در نبودش دلتنگش شوند. مدتی بود که لابه‌لای تمام روزهای پرت است همه با آن همراهیم، تیم رادیو هفت بعد از شش سال دوباره دست به کا

فاطمه شهدوست
رسانه

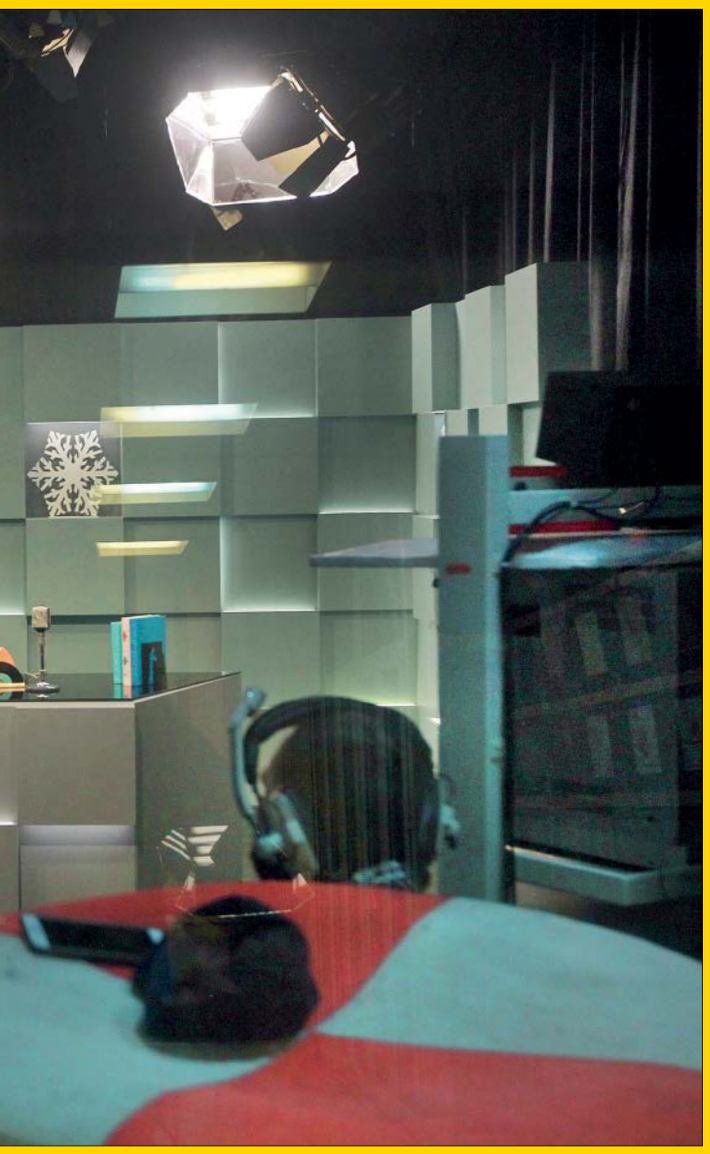

رادیو هفت کجاست؟

استودیو رادیو هفت در کنار خیلی از استودیوهایی که می‌شناسیمش در یکی از ساختمان‌های پر واحد صدا و سیما بود. فضایی که برای رسیدن به آن لازم بود تا از دو ورودی مجزا عبور کنیم. بعد هم درست مثل فیلم‌ها، راهروی طولانی که به مسیرهای مختلفی منتهی می‌شد را پشت سر گذاشتیم و نزدیک به انتهای راهرو اما دست راست، باید می‌پیچیدیم و بعد از گذر از یک راهروی کوتاه دیگر با دو استودیو مواجه شدیم. یکی از آنها که این‌بار انتهای راهرو و دست چپ بود این شب‌ها خانه رادیو هفتی‌ها شده بود. از بدو ورود با رژی یا همان اتاق پخش روبه‌رو شدیم که در گوشه‌اش مانیتور بزرگی روی دیوار نصب بود و برنامه شبکه‌های مختلف را به شکل مربع‌های کوچک کنار هم نمایش می‌داد. جلوی این مانیتورها گروه پخش که حدود ۵ نفر بودند، پشت میزهای کنترل نشسته بودند.

حواسمان به همه چیز هست

محمدهادی نه‌برادر از اعضای تیم کارگردانی این برنامه است و از ابتدای شروع رادیو هفت در این گروه حضور داشته است. در حالی که هنوز نزدیک ۱۰ دقیقه زمان تا شروع برنامه مانده، با او گپ کوتاهی می‌زنیم و نه‌برادر از همراهی‌اش با این برنامه برایمان گفت.

همراهی با رادیو هفت: رادیو هفت یک برنامه دلی است، یعنی واقعا ما خانواده رادیو هفت هستیم. در روزهای اولی که این کار را شروع کردیم، فکر نمی‌کردیم این‌قدر مورد استقبال قرار بگیرد و مردم هم به این شکل جزو خانواده ما شوند. اینجا همه با جان و دل کار می‌کنند و آدم واقعا از حضور در چنین گروهی لذت می‌برد. به همین دلیل با شروع سری دوم می‌توانم بگویم با تمام وجود منتظر چنین پیشنهادی بودم.

زمانی هم که سر برنامه می‌آیم، انرژی خاصی می‌گیرم، انرژی‌ای که از مردم و کل گروه می‌رسد به همین خاطر خیلی این اتفاق را دوست دارم.

کارگردان هنری چه می‌کند؟ ما یک تیم کارگردانی هستیم و به‌جز من، خشایار رفیعی و اشکان مزیدی هم در این گروه هستند. ما بیشتر طبق کنداکتوری که می‌چینیم حواسمان هست که همه چیز به موقع و سرجایش پخش شود. در این بین باید حواسمان به هر بخش باشد که زمانش از آنچه در کنداکتور قید شده، بیشتر و یا کمتر نباشد. همچنین تعامل بین تیم برنامه‌ساز با پخش هم از طریق این گروه انجام می‌شود. استرس برنامه زنده: برنامه زنده همیشه حال و هوای خودش را دارد و اتفاق هم در آن کم نیست، رخدادهایی که خیلی وقت‌ها نمی‌شود آن را کاری کرد. اما از آنجایی که ما در اجرای رادیو هفت تجربه چندساله داریم، اغلب اتفاق خاصی نمی‌افتد و اگر هم رخ دهد، ماهیت برنامه زنده است.

دردسر هماهنگی‌های برنامه زنده

ساعت از ۱۰ شب گذشته بود، علیرضا رحیمی دستیار تهیه رادیو هفت همچنان مشغول هماهنگی و چک کردن بخش‌های برنامه بود. از آنجا که بعضی از عوامل گروه هم رسیده بودند و سر او کمی خلوت‌تر شده بود، فرصتی پیش آمد تا با هم گپ کوتاهی بزنیم. این‌که دستیار تهیه چه می‌کند؟ سوالی بود که رحیمی در پاسخ به آن به جام جم گفت: معمولا در روند برنامه‌سازی کارهایی روال است مثل این‌که آیتم‌ها به موقع به سازمان برسند، کد بگیرد و موارد دیگری که تهیه‌کننده گاهی انجام می‌دهد اما در زمانی فرصت نمی‌کند و لازم است تا آن را با دستیارش تقسیم کند، از مواردی است که جزو کارهای ما محسوب می‌شود. همچنین هماهنگی‌های لازم و پیشبرد کار در زمانی که حجم انبوهی از اتفاقات وجود دارد هم از موارد دیگری است که دستیار تهیه سراغش می‌رود.

ساماندهی و هماهنگی‌های یک برنامه زنده هم از آن مواردی بود که رحیمی درباره‌اش بیان کرد: شما شاهد بخشی از این اتفاقات بودید و ما برای این‌که برنامه ۱۱ شب روی آنتن برود از چهار و نیم عصر اینجا هستیم تا تمام کارها سر زمان خودش و به موقع انجام شود. تمام این سنگینی هم رو دوش ماست تا تهیه‌کننده، کارگردان و.... با خیال راحت‌تری به کارهایشان برسند.

او در آخر با اشاره به مشکلاتی که همیشه ممکن است در برنامه زنده وجود داشته باشد، گفت: بهتر است بگویم در برنامه تجربه این‌که هیچ اتفاقی نیفتد را تقریبا نداشتیم و اغلب رخدادی اتفاق می‌افتد که به شکلی آن را رفع و رجوع می‌کنیم. با این حال امشب جزو معدود شب‌هایی بود که همه چیز خوب پیش رفت.

کم‌وکیف کارگردانی تلویزیونی

به جز خیلی از عواملی که اسم آنها را می‌شنوید و با کارشان آشنایی دارید، در یک گروه چهره‌های مختلفی حضور دارند تا برنامه را به بهترین شکل برای پخش آماده کنند. کارگردان تلویزیونی یکی از این موارد است که هادی پیرو امشب در رادیو هفت آن را به عهده دارد. او که سال‌هاست در این سمت تجربه کارگردانی خیلی از برنامه‌ها را داشته، الان هم مشغول چک کردن دوربین‌ها و قاب‌بندی تصویری است که قرار است با شروع برنامه روی آنتن بیننده آن باشیم. پیرو درباره حضورش در کارهای زنده مثل رادیو هفت گفت: من اساسا از برنامه زنده استقبال می‌کنم، استرس هم اوایل داشتم اما الان بیشتر مثل یک هیجان و کشف است و دوست دارم از فرصتی که در رژی هست تا حد امکان استفاده کنم.

این‌که آیا برنامه برای او به عنوان کارگردان تلویزیونی تفاوتی دارد یا نه، سوالی بود که او درباره‌اش بیان کرد: ضریب نفوذ یک برنامه قطعا تعیین‌کننده است، یعنی قطعا بین زمانی که شما مشغول برنامه‌ای مثل رادیو هفت هستید با برنامه‌ای که ضریب نفوذ ندارد و بخشی از مخاطبانش تنها مایی بودیم که در استودیو حضور داشتیم، تفاوت وجود دارد. با این حال این قضیه باعث می‌شود تا استرس نه اما حساسیت بالاتری حین کارگردانی آن برنامه داشته باشید. اما کارگردانی تلویزیونی بودن به صورت جزئی‌تر یعنی چه؟ موضوعی که او در پاسخ به آن بیان کرد: به طور کلی کارگردانی تلویزیونی تغییراتی کرده است اما برداشت‌هایی که الان هست شاید صرفا به سمت این برود که آن فرد تنها یک سوییچر است، در حالی که اساسا کارگردان کسی است که بار هنری یک برنامه را به دوش می‌کشد، من می‌توانم دوربین‌ها را به همان شکلی که همکارم از قبل گذاشته، بچینم و هم این‌که با آرایش تازه‌ای که می‌بینید جاگذاری کنم. این تفاوت‌ها را کارگردان است که ایجاد می‌کند.

۱۱۶۵ برنامه خیلی زیاد نیست!

ساعت از نه و نیم گذشته بود و به‌جز عوامل پخش هنوز کسی نیامده بود. کم‌کم سر و کله دستیار تهیه هم پیدا شد. او مشغول هماهنگی نهایی بخش‌ها و مهمان برنامه آن شب بود و قرار شد تا کمی بعد که کارها پیش رفت با هم گفت‌وگوی کوتاهی داشته باشیم. در همین بین نقش اصلی شب‌های رادیو هفت هم به استودیو رسید؛ منصور ضابطیان که همراه محمد صوفی دست به خلق این رادیو زدند. امشب البته آقای تهیه‌کننده به دلیل کسالتی که داشت، نتوانست بیاید و قرار شد تا گفت‌وگویمان را با او تلفنی انجام دهیم. ضابطیان که به دلیل این گزارش زودتر از همیشه به استودیو آمده بود، بعد از مدت کوتاهی برای گفت‌وگو درباره جناب رادیو هفت، آماده شد.

با بازگشت رادیو هفت شروع کنیم، اصلا چه شد که دوباره آن را زنده کردید؟

با این‌که زمان زیادی از توقف رادیو هفت نگذشته و حدود شش سال پیش روی آنتن رفته بود اما تبدیل به یک نوستالژی عجیب و غریب برای مردم شد و از آن همیشه به عنوان برنامه‌ای که شب‌ها می‌توانست به آنها آرامش دهد، یاد می‌کردند. در این شش سال شرایط به شکلی بود که ما در معاونت‌های دیگر مثل استان‌ها و صدا مشغول به کار بودیم تا این‌که بازهم این شرایط طوری رقم خورد که امکان حضور دوباره در معاونت سیما پیش آمد، از طرفی یک‌باره در چندماه اول پاییز؛ نمی‌دانم به چه دلیل در فضای مجازی با پیغام‌های فراوانی مواجه شدیم که می‌گفتند ما شب‌ها نیاز به آرامش داریم و فکر می‌کنیم جای این برنامه خالی است. من اوایل این جریان را به حساب نوستالژی و علاقه‌مندی می‌گذاشتم اما بعد دیدم که انگار این درخواست خیلی زیاد است و به رغم آن‌که واقعا دوست داشتم برنامه تازه‌ای با رویکرد جدید در ساعت دیگری بسازم ولی احساس کردم در شرایطی هستیم که مردم به خاطر یک سال درگیری با ماجرای این ویروس، نیاز به آرامش دارند و ما به عنوان یک مسؤولیت اجتماعی باید جلو بیاییم تا اگر می‌توانیم اندکی به این آرامش شبانه کمک کنیم و هر کاری از دستمان برمی‌آید را انجام دهیم.

اتفاقی که در این شب‌ها رخ داده، از نظر حال و هوا و فضا خیلی شبیه همان رادیو هفت همیشگی است و تغییر عجیب و غریبی را در ساختار این برنامه نمی‌بینیم، این جریان تصمیم خودتان بود یا برای آن فرصت زیادی نداشتید و گرفتار شرایط روز شدید؟

تغییرات که وجود دارد. به هر حال رادیو هفت یک درونمایه اصلی دارد و آن آرامش است، آرامش دادن و اگر بخواهم فرنگی‌اش را بگویم ریست کردن مردم در آخر شب، اصل این برنامه است. مردمی که از صبح با بحران‌های زیاد، کووید-۱۹، مشکلات معیشتی و... دست به گریبان هستند در این ساعت از آخر شب برای خودشان از این فضا فاصله بگیرند، شعر و موسیقی بشنوند، به زبان و ادبیات فارسی، ریشه‌های ملی مذهبی و موارد این چنینی فکر کنند. این نگاه اصلی است که از ابتدا بوده و همچنان هست و طبیعی است وقتی می‌خواهیم این درونمایه را حفظ کنیم، شما احساس می‌کنید که تغییر چندانی نکردیم.

بعضی از بخش‌ها هم به کل حذف شده‌اند و فکر می‌کنم کرونا در این تصمیم بی‌اثر نبوده، درست است؟

بله؛ بعضی از بخش‌ها به دلیل شرایط ویژه‌ای که داریم، کم شده است. یعنی برنامه‌سازی در دوران کرونا و بعدتر برنامه‌سازی در طول بحران سلامت باید در دانشگاه‌ها تدریس شود. این که در چنین شرایطی شما باید چه کنید که نمی‌توانید مثل قبل استودیو و بخش‌های دیگری را داشته باشید. زمانی استودیو بلکه باکس‌های ما به شکلی بود که هنرمندی در آن متن می‌خواند و نزدیک ۱۰ نفر از عوامل هم آنجا حضور داشتند، آن هم بدون هیچ تهویه‌ای چون نباید صدایی می‌آمد. این فضا برای شرایطی که در آن هستیم، ریسک بزرگی محسوب می‌شد. در بخش دیگر کسانی که با آنها گفت‌وگو می‌کردم اغلب از پیشکسوتان بودند و این افراد جزو گروهی‌اند که خطر بیشتری تهدیدشان می‌کند و طبیعتا نمی‌شود در دوران جدید با آنها با همان روش گپ زد. همچنین ما اساسا این ریسک را نمی‌پذیریم که بچه‌ها را به استودیو بیاوریم و بخواهیم مثل قبل با آنها گفت‌وگو کنیم.

ولی با این وجود هنوز آیتم متن‌خوانی چهره‌ها را دارید.

بعد از موارد و محدودیت‌هایی که از آن گفتم، ما فرم را کمی تغییر دادیم و گفتیم به جای آن‌که آدم‌ها به استودیو بیایند، ما گروه‌های کوچک و چابکی را با حفظ پروتکل‌ها درست می‌کنیم و آنها را به خانه یا هر جایی که مهمان راحت‌تر است، می‌فرستیم تا این‌گونه آسیب را هم کمتر کنیم.

و این کارتان را سخت‌تر کرده....

بله، به مراتب از سری‌های قبل خیلی سخت‌تر است چون ما در آن دوران در استودیو می‌نشستیم و از صبح آدم‌ها خیلی شیک می‌آمدند. ما باید تیم سیارمان را مدام به خانه این و آن بفرستیم و هماهنگی این جریان هم خیلی سخت است و هم به شدت هزینه‌بر است. برای همین اگر می‌بینید که بعضی از بخش‌های ما کمتر شده، به همین دلیل است.

با این حال ظاهرا همچنان جایی برای حضور مهمانان دارید، چون برخی‌ها در یک فضا متن می‌خوانند.

وقت‌هایی بوده که کسانی امکان حضور تیم ما را در خانه‌شان نداشتند، یا سالمندی با آنها زندگی می‌کرده یا به هر دلیلی ممانعتی داشتند. ما در این شرایط یک روز به کافه‌ای می‌رویم که کمی جریان هوا در آن راحت‌تر وجود دارد یا محوطه‌ای را در نظر می‌گیریم و مدام به فکر این هستیم که سر این قضیه کسی آسیب نبیند.

در مورد مجری‌های برنامه و چهره‌هایی که هستند هم بگویید. برخی از آنها از قبل بودند و مواردی هم تازه اضافه شدند. در کل با چه نگاهی دست به این انتخاب‌ها زده‌اید؟

می‌توانم بگویم تیمی که در حال اجرا هستند، تقریبا شامل همان کسانی‌اند که قبلا هم بودند چون خیلی پیدا کردن مجری برای این برنامه دشوار است. من فکر می‌کنم سازمان به طور کلی با بحران مجری مواجه است. در واقع به رغم آن‌که تعداد همکاران خوب من زیاد است اما همه آنها نمی‌توانند در هر شبکه‌ای اجرا کنند و محدودیت‌های خاصی وجود دارد. بعضی از دوستان هم شبیه برنامه ما نیستند و ممکن است توانایی‌شان در حوزه اجرا در فضای دیگری باشد.

منظورتان از شبیه بودن به برنامه‌تان چیست؟

مجری‌های ما اساسا مولفند و اغلب‌شان صاحب کتاب و قلم‌اند، در حال تدریسند، دایره واژگان وسیعی دارند و نوعی نگاه خاصی را در حوزه‌ای که متخصص آن هستند، دارند، جریانی که آنها را ویژه می‌کند. نگاه خاص و احاطه آقای کاکاوند به ادبیات، احاطه آقای شاهین شرافتی به روان‌شناسی، آقای سرورپور به مسائل مهارت‌های فردی، موفقیت و امید، احاطه آقای اسماعیل باستانی به ادبیات معاصر و احاطه خانم آل‌عباس به مسائل خانواده و پیرامون آن باعث شده تا ما دست به این انتخاب‌ها بزنیم. با احترام به همه دوستان دیگر در شبکه‌های دیگر باید بگویم که شاید جمع شدن همه اینها و ترجمه‌اش در یک برنامه شبانه که می‌خواهد خیلی آرام باشد، کار ما را برای انتخاب مجری مقداری دشوار می‌کند.

الان خیلی از چهره‌های آقایی که در برنامه حضور دارند، مجری تلویزیونی نیستند یا خیلی وقت است چنین فضایی را نداشتند. چرا به دنبال اعمال این انتخاب در بین خانم‌ها نبودید؟

ما که از خدا می‌خواهیم اما خب خیلی گشتیم و نتوانستیم با این شرایط که صحبت آن شد، خانم‌های زیادی را پیدا کنیم که ممانعتی از اجرا هم در شبکه دیگری نداشته باشند. بعضی از همکاران بسیار خوب من و خانم‌های محترم هستند که چون در پورتال مجری‌ها در شبکه دیگری هستند، نمی‌توانند در این شبکه اجرا کنند و از فهرست ما ناخواسته حذف می‌شود. با این وجود به هر حال باز هم می‌گویم که ما بحران مجری داریم و در زمینه حضور خانم‌ها هم به عنوان مجری هم بحران ویژه‌تری وجود دارد.

از آدادا هم بگویید، چه شد که پای این عروسک به رادیو هفت باز شد؟

ما دوست داشتیم فضاهای تازه‌ای را به برنامه اضافه کنیم و شوک‌هایی را برای مخاطب داشته باشیم و این عروسک می‌توانست یکی از این موارد باشد؛ کما این‌که در سال‌های قبل هم ما به اسم بزرو داشتیم که طرفداران خودش را داشت. در این سری هم از آنجا که درهای رادیو هفت همیشه به روی ایده‌ها و آدم‌ها باز است، در صحبتی که با فرشاد قلی‌پور که سال‌هاست کار عروسکی می‌کند، داشتیم به شخصیت آدادا رسیدیم که به برنامه اضافه شد.

شما در این سری سراغ چهره‌های فعال در فضای مجازی هم رفته‌اید، مثل علیصا و مادرش. این ماجرا یعنی تعامل مجازی‌ها ادامه دارد؟

چرا که نه، در فضای مجازی به رغم آن‌که کارهای بد بسیاری انجام می‌شود اما خوب گهگاهی اتفاقات خوبی هم می‌افتد و این هم جزو یکی از کارهای خوب و در واقع دیالوگ بین نسلی بود. بخش علیصا و مامانو دراصل یک نگاه محترمانه، مودبانه و صمیمانه